

یادداشتی درباره تحقیقات اجتماعی و شناخت فرهنگ

در این یادداشت از تحقیقات و مطالعاتی یاد خواهد شد که هرچند بظاهر جنبه اجتماعی دارند ما را در شناخت فرهنگ مردم این سرزمین باری میدهند. شاید لازم باشد آوری نباشد که جدا کردن آنچه اجتماعی است از آنچه که بدان صفت فرهنگی می‌دهیم کاری دشوار است و اگر در این یادداشت مرزی بین این دو مفهوم مشخص نمی‌دهیم تنها بخاطر ساده کردن موضوع است. هدف مطالعات جامعه‌شناسی گاه اطلاع از اوضاع و احوال اجتماعی است و بررسی آنچه که در زمانی کوتاه در زندگی انسانها مؤثر است اما زودگذر و متغیر، مانند مطالعه وضع کارگران یک صنعت و یا تحقیق در چگونگی اعتیادات در جامعه شهری و . . . و گاه جنبه مطالعات ساختی میگیرد و شناسایی ما را درباره خصوصیات بنیادی یک جامعه افزایش می‌دهد مانند مطالعات مربوط به خانواده و مذهب، مالکیت و . . . بیگمان بررسی‌های مربوط به ساختهای اجتماعی در شناخت فرهنگ سودمندترند و ما در این نوشته بیشتر به اینگونه بررسی‌ها نظر خواهیم داشت.

اگر فرهنگ را مجموعه شناسایی‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، نیادها و هنرها و سایر خصوصیات بدانیم که فرد به‌عنوان عضو جامعه کسب می‌کند و به کلام دیگر سیرانی اجتماعی که فرد از گروه خود بدست می‌آورد می‌توان گفت که شاخه‌های گوناگونی از علوم اجتماعی و یا علوم وابسته به آن به تحقیق در چنین اموری می‌پردازند و طبی برخی از این علوم در این زمینه وظیفه مهم‌تری برعهده دارند مثلاً مردم‌شناسی و شاخه‌ای از آن که فرهنگ عامه باشد و یا برخی از رشته‌های جامعه‌شناسی. زبان‌شناسی نیز از طریق مطالعه در گویشها و خصوصاً تجزیه و تحلیل ساختهای زبان می‌تواند ما را در شناخت برخی از نیادهای اجتماعی و فرهنگی مدد کند (مانند مطالعه اصطلاحات خوشنودنی و رابطه آن با اشکال خانواده) و همچنین روانشناسی اجتماعی با مطالعه رفتارهای جمعی.

نوع دیگری از تحقیقات را نیز باید به فهرست بالا افزود و آن مطالعات مربوط به تاریخ اجتماعی یک ملت است که از طریق مطالعه اسناد و مدارک و متون قدیمی یا

روش علمی انجام می‌گیرد و با مطالعات باستان‌شناسی .
در سی سال اخیر گروهی از مورخین و محققین بنام
ایرانی در زمینه تاریخ اجتماعی ایران^۱ و نیز جماعتی از
زیانسانان درباره زبانها و گویشهای ایرانی^۲ کوششهای
فروانی کرده‌اند و امروزه کسانی این‌راه را دنبال می‌کنند
که شرح آن احتیاج به مقاله‌ای جدا دارد .

توجه ما در این یادداشت بیشتر به بررسی‌هایی است که
با استفاده از روشهای مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی
بعلل آمدن و چگونگی زندگی مردمان را در شیر و روستا
و ایل و نیز ساختنهای حاکم بر این محیط‌های سه‌گانه را
روشن می‌کند .

سابقه این نوع مطالعات را باید در سرنوشتها و کنی
جستجو کرد که در دو قرن اخیر توسط اروپائیان درباره
ایران منتشر شده است . بدیعی است که اکثر این سیاحان
در حدی نبوده‌اند که بتوان به نوشته‌هایشان اعتماد علمی
داشت ولی در میان این نویسندگان کسانی هم بوده‌اند که
بخط‌دقت و بینش خاصی آثار قابل‌توجهی بجای گذاشته‌اند .
نوشته‌های «شاردن» درباره شیر اصفهان و با ملاحظات
هانری دالمانی H. D'Allemagne درباره آداب و رسوم
ایرانی و با تجزیه و تحلیل «گوبینو» از قشرهای اجتماعی
ایران در دوره قاجاریه از آن جمله‌اند و نیز بعضی از نوشته‌های
خانیکوف Khanikof ، رابینو Rabino و دوبورگان
در سالیهای میان دو جنگ جهانی و پس از آن برخی
از مردم‌شناسان آلمانی ، انگلیسی ، امریکایی و فرانسوی
و روسی به مطالعات علمی انفرادی درباره آداب و رسوم
و یا باستان‌شناسی ایران پرداخته‌اند . در میان این تحقیقات
می‌توان از کتاب بسیار خوب هانری ماسه : «عقاید و رسوم
ایرانی» و آثار فیلبرگ C.G. Feilberg ، فردرک بارت
F. Barth درباره ایلات ایران نام برد .

و اما مطالعاتی را که توسط ایرانیان انجام شده می‌توان
به دو دوره زمانی تقسیم کرد :

اول : دورانی که چند محقق بطور انفرادی در برخی
از نوشته‌های مربوط به فرهنگ عامه مطالعات با ارزشی

انجام دادند و از پیش‌تازان بودند . نخست باید از دهخدا
باد کرد و کار پرارزش او درباره ضرب‌المثل‌های فارسی که
بنام امثال و حکم در چهار جلد منتشر شد . پس از صادق
هدایت که با روش علمی بکار پرداخت و گذشته از جمع‌آوری
ترانه‌ها و مثل‌ها و افسانه‌ها دستورالعملی نیز برای جمع‌آوری
فولکلور ایران تهیه نمود و بالاخره صبحی بهمنی که با کوشش
خستگی‌ناپذیر اولین کسی بود که مجموعه‌ای عظیم از
افسانه‌های ایرانی فراهم آورد . جای تأسف است که هنوز
تجزیه و تحلیل دقیقی درباره این دو منبع عظیم انجام
نگرفته است .

دوم : دوره‌ایست که با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات
اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۳۷) آغاز می‌شود . این مؤسسه
برای نخستین بار در ایران با روش علمی و کار گروهی
به مطالعه درباره ساختن و مسائل اجتماعی ایران پرداخت .
روشهای آماری را بکار گرفت و براساس آمارگیریهای
نمونه‌ای و از طریق مصاحبه و تنظیم پرسشنامه به مطالعات
محلی در شهر و روستا همت گماشت . شعب مختلف تحقیقاتی
این مؤسسه در زمینه‌های جامعه‌شناسی شهری و روستایی ،
مردم‌شناسی ایلی، جمعیت‌شناسی ، جامعه‌شناسی مذهبی بوجود
آمد و گروهی از استادان و صاحب‌نظران ایرانی و خارجی
و دانشجویان در این کار همگام شدند^۳ . در کنار مطالعات
گروهی عده‌ای نیز با راهنمایی مؤسسه به تحقیقات انفرادی
و تهیه مونوگرافی پرداختند و نتیجه همه این کوششها
انتشاراتی است که از حاصل تحقیقات مؤسسه و با مطالعه
کسانی که با مؤسسه رفت‌وآمدی داشتند درست است .

بیشتر این مطالعات درباره خصوصیات روستاها و
شهرهای ایران بود . خصوصیات مالکیت ، بیره‌مداری ،
آداب و رسوم و کثت و کار در بسیاری از دهات ایران
شناخته شد و اطلاعات با ارزشی درباره اکولوژی شهرها
و قشرهای شغلی و درآمدی مردم شهرنشین و کار و تفریح
این مردم بدست آمد . مسائل مربوط به خانواده و ازدواج
و باروری و ساختنهای جمعیتی نیز مورد توجه قرار گرفت
و چند تحقیق اساسی در این باره انجام شد . مطالعه درباره

ایلات و ساختارهای عشیره‌ای نیزه موضوع چند تحقیق اساسی مؤسسه بود .

محققان قسمت فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر نیز در دوران فعالیت خود که دهسالی از آن می‌گذرد به مطالعه درباره گویشها، آداب و رسوم، پوشاک و . . . پرداختند . از سال گذشته گروهیهای وابسته به فرهنگ عامه بادیی تازه مطالعه علمی مناطق مختلف ایران را از لحاظ شناخت فرهنگی و جمع‌آوری اشیاء آغاز کرده‌اند و این برنامه‌است که اگر بخوبی بیابان رسد آگاهی ما را درباره فرهنگ ایران زمین بسیار غنی خواهد کرد . فعالیتهای گروهی درسالیهای اخیر موجب شد که عده‌ای از اصحاب نظران در زمینه فرهنگ ایران دست بکار تحقیق شوند . برخی به مطالعه مؤن گذشته پرداخته‌اند و آنها را با توجه به مسائل فرهنگ عامه تجزیه و تحلیل کردند^۷ و عده‌ای نیز در کوه و دشت راه افتادند و هر جا که نشانه‌ای از زندگی در دورهای دور و نزدیک بجای مانده بود (کاروانسرا ، قدمگاهها ، امامزاده و آستانه ، بازار ، آسیاب ، رباط ، قبرستان ، محله ، قلعه ، آتشگاه) ضبط و مطالعه کردند^۸ و این کار بسیار ارزنده‌است که باید هر چه بیشتر دنبال شود .

در سالیهای اخیر در اینسو و آنسوی کشور علاقمندان و محققین به جمع‌آوری ترانه‌ها و متل‌ها و افسانه‌ها مشغول شدند^۹ و رادیو و تلویزیون گروهیهای خاصی در این باره تشکیل دادند^{۱۰} . مطالعاتی نیز درباره فرهنگ عوام در بعضی مناطق ایران انجام گرفت^{۱۱} (تهرآن ، خراسان ، کردستان ، گیلان) و مجلات هنر و مردم ، راهنمای کتاب ، سخن و علوم اجتماعی نتایج برخی از تحقیقات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی را منتشر ساختند . چند مؤسسه انتشاراتی نیز مجموعه‌ای را به کتب مربوط به فرهنگ عامه اختصاص دادند^{۱۲} .

رویسرفته می‌توان گفت پس از دورانی که چند نفری بیشتر از ایرانیان به مطالعات اجتماعی توجه نداشتند و آثاری از آنان در سالیهای پس از جنگ جهانی دوم منتشر شده بود در پانزده سال اخیر رغبت به تحقیق در این امور روز افزون بود و امکانات عالی که برای برخی از مطالعات اجتماعی فراهم شد راه را هموار کرد از سوی دیگر متخصصین علوم

اجتماعی نیز تعدادشان افزایش یافت و این گونه تحقیقات در اجتماع ما قدر و منزلتی یافت اما ناگفته نباید گذاشت که ما هنوز در مرحله جمع‌آوری اطلاعات هستیم و هنوز کار اساسی در زمینه تجزیه و تحلیل این اطلاعات و جستجوی روابط میان امور و بالاخره شناخت دقیق جامعه و فرهنگ ایران آغاز نشده‌است . برخی رشته‌ها یخاطر نیازی که به آنها بوده‌است از امکانات بیشتری بهره‌مند شده‌اند و زمینه‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی مذهبی، خانوادگی، سیاسی و اقتصادی از توجه لازم برخوردار نبوده‌اند .

مجموعه این مطالعات نه تنها ما را در شناخت جامعه و فرهنگ خود مدد خواهد کرد بلکه نتایج آن برای برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی ایران نیز سودمند خواهد بود .

مجله باغ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله باغ علوم انسانی

۱- پورداود ، سعید نفیسی ، غلامحسین صدیقی ،
لصرائف فلسفی و . . .

۲- جبالزاده ، محمد مقدم ، صادق کیا ، احسان
یارشاطر ، ماهیار نوایی ، یحیی ذکا و . . .

۳- احسان تراقی ، شاپور راسخ ، افشار نادری ،
زهرا شجیعی ، خسرو خسروی ، اسمعیل عجمی ، بیمان ،
مرتضی کنی ، فیروز توفیق ، احمد اشرف ، منفی ، مهدی
امانی ، کاظم ودیعی ، علی محمد گاردان ، وزخاوند ،
غلامعلی توسلی و . . .

واژ خارجیان : بیر بنیه P. Bessagnet ، ایتلند
O'ptland پیل ویلی P. Vieille کتوده شاستلان
C. Chastellan

۴- جلال آل احمد ، غلامحسین سعیدی و . . .

۵- هوشنگ بورکریم ، علی بلوکباشی ، صیاد بور و . . .

۶- محمدجعفر محبوب ، پرویز شتلی خانلری و . . .

۷- ایرج افشار ، منوچهر ستوده ، احمد اقتداری ،
فرخ غفاری و . . .

۸- امیرقلی امینی ، کوهی کرمانی و . . .

۹- انجوی شیرازی و همکارانش .

۱۰- محمود گنبرائی ، ابراهیم شکورزاده ، محمد

مکری ، عیسی بیضام و . . .

۱۱- بنیاد فرهنگ ایران ، مؤزده فرهنگ مردم و . . .

بدیهی است که این فهرست ، صورت اسامی مردم بنیادان
و جامعهشناسان ما نیست و بنا بر نقل اسامی فوقی ، آنهایی
است که از این اشخاص درباره ایران منتشر شده و امید است
که فهرست مزبور به مرور و به یاری خوانندگان غلاقمند
کامل گردد .

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی